

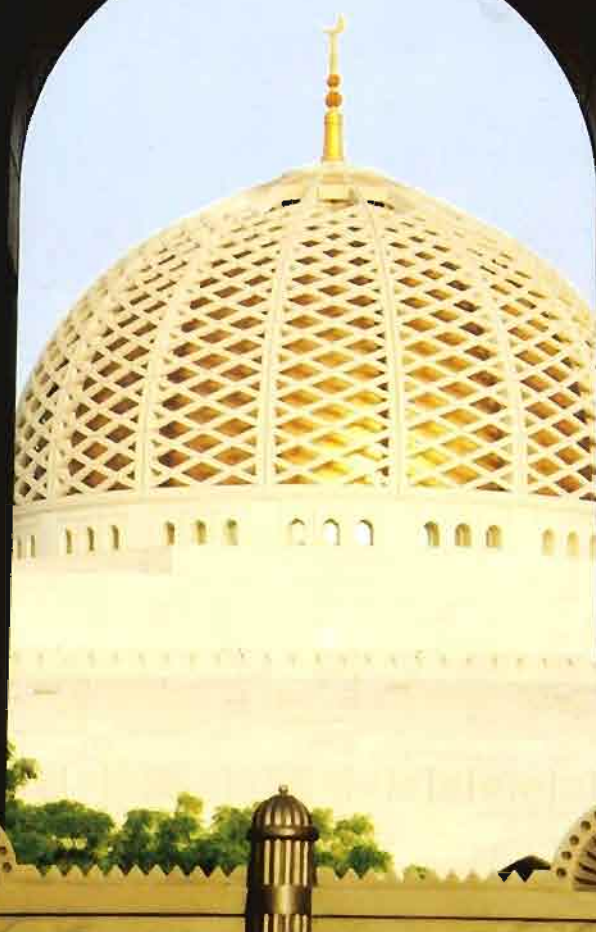
موضوع ویژه: مسجد و فضاهای مذهبی

آباد

مجله تخصصی معماری و هنر  
در فضاهای مذهبی  
مجله تخصصی معماری و هنر  
در فضاهای مذهبی

Abadi

Quarterly Journal of Architecture  
and Urbanism  
Vol. 17, No. 24  
Spring 2007





# رنگ و بیان اسطوره‌های آن در معماری

نویسنده: حامد کامل‌نیا

## مقدمه

دیدگاه نقد اسطوره‌گرا<sup>۱</sup>، علی‌رغم روبرو شدن با مخالفت‌هایی که طی قرون جدید با ادعای دروغین و غیر واقعی بودن آنها به همراه داشته، با پدیدار گشتن روانکاوی عمقی و توجه فروید و یونگ به عنوان مؤسسان بزرگ این مکتب به افسانه‌ها، رؤیاها، اقوام کهن و... طلیعه‌ای نو را در نمایاندن اساطیر نوید می‌دهد؛ و بدین ترتیب در پی اثبات تئوری «تاریخ مقدس» همگام با ناخودآگاه جمعی یونگ، مصادیق و نمونه‌هایی در طول تاریخ بشری جستجو شده‌اند که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و یک صورت سمبولیک (الگوی کهن) را به وجود آورده‌اند. قبل از پرداختن به مقوله رنگ به عنوان یک صورت سمبولیک در معماری، این سوال مطرح است که یک صورت یا فرم سمبولیک چیست؟

«ارنست کاسیرر» فرم یا صورت سمبولیک را گونه‌ای اثری روح می‌داند که از طریق آن محتوای ذهنی معنی با نشانه‌های محسوس و ملموس مرتبط است.<sup>۲</sup>

مبحث رنگ در معماری به عنوان یک صورت سمبولیک در این گفتار از دو منظر مورد توجه است: در بخش نخست تعریفی که از رمزشناسی رنگ مورد نظر است، مطابق تعریفی است که «کاسیرر» از اسطوره ارائه می‌دهد.<sup>۳</sup> او برای اسطوره مرتبه‌ای همپایه زبان و تفکر علمی قائل شده و روش پژوهش او مقابله و مقایسه «میتوس» با «لوگوس»<sup>۴</sup> یعنی اسطوره با تفکر عقلانی است.<sup>۵</sup> او در پیش نقادانه خود درباره اسطوره سعی دارد عقاید مختلف را در نظام خود جای دهد. از دیدگاه او اسطوره فقط معنایی دینی ندارد بلکه مدلولی کیهانی را نیز داراست.<sup>۶</sup> کاسیرر شناخت‌شناسی کانت را گسترش می‌دهد که نه فقط نسبت خاص و عام اینستین و مکانیک کوانتوم، بلکه زبان، فلسفه هنر، ادبیات و نیز فلسفه اسطوره‌شناسی را هم دربر می‌گیرد.<sup>۷</sup> او همچنین اسطوره را شیوه خاصی از عبثیت بخشیدن به جهان می‌داند و اسطوره را شکل معینی از تجربه دانسته و تفسیر می‌کند.<sup>۸</sup> ... در قسمت دوم، آنچه بیشتر مورد توجه است، بعد متافیزیکی رنگ به عنوان یک صورت سمبولیک در معماری آیینی است و بیشتر نزدیک به دیدگاهی است که «رودولف اوتو» آنرا تعریف می‌کند. «اوتو»، واژه‌ای به نام «نومن»<sup>۹</sup> را مطرح می‌سازد که از آن به عنوان یک موجود ماوراءطبیعی، اراده الهی و تعبیری از این قبیل یاد می‌کند.<sup>۱۰</sup> او تجلی نومن را با هماهنگی اعدادی نظیر دفع و کشش، جلال و جمال و... می‌داند و «میت»<sup>۱۱</sup> را یکی از وجوه اصلی نومن می‌داند. چنین برداشتی از اسطوره خصوصا از دیدگاه دینی<sup>۱۲</sup> قابل تامل است، اما لازم به ذکر است که هر یک از این دیدگاهها در جایگاه خود نیاز به نگرشی ژرف دارد و بعضا چنان در هم تنیده‌اند که تفکیک آنها ناممکن می‌نماید. چنانکه منظور از این تقسیم‌بندی نیز جدایی و انفصال این دیدگاهها به طور صرف نیست، همان‌گونه که کاسیرر نیز در دستگاه شناخت‌شناسی خود، متافیزیک که سوژه اسطوره را به تعبیر خودش «تکوین خدا»<sup>۱۳</sup> می‌داند از یاد نبرده و به آن توجه داشته است.

اسطوره و صورت‌های سمبولیک  
الف: اعداد اسطوره‌ای و رنگ‌ها

عدد یکی از مضامین صوری است که بر ساختار جهان اسطوره حاکم است. در سیستم شناخت تئوریک کاسیرر، عدد حلقه

Written by: Hamed Kamelnia

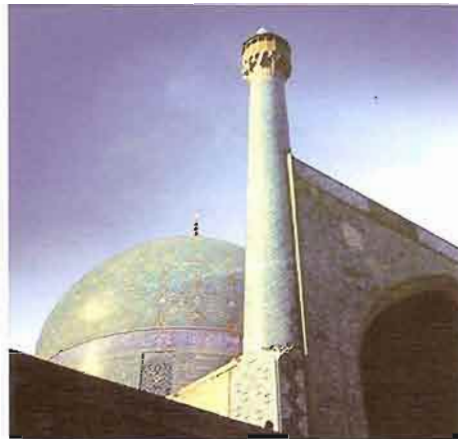
## Abstract:

Epistemological and critical approach to the concept of sacred architecture, sees architecture not only in its religious meaning, but as away of actualization of the world, as a specific form of experience in social life. This approach attempts to distance itself from political architecture, which is currently influential. This article attempts to analyze the symbolism of color in architecture. From the critical and epistemological stand by referring to some examples it will be shown that how different aspects of the sacred architecture are intermingled with other social and individual aspects of life, such as the national-religious rituals or the literature. Therefore, sacred architecture is not a distant taboo, but the objective reflection of social life.

PhD Candidate in Architecture from the Fine Arts Faculty of Tehran University.



نیلوفر آبی به همراه درخت مقدس خصوصاً در کاشیکاری مضمون‌های اسطوره‌های هختمند (مسجد شیخ لطف‌الله)



رنگ آبی تازی محتوایی اسطوره‌ای در معماری ایرانی است. (مسجد امام اصفهان)



مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان (اسمبلیه سده هفتم)

است) که تقدس و گستره آسمانی آنها بعد از اسلام نیز به وفور نمایان می‌بینیم. در روایات کهن ایرانی گل نیلوفر آبی را حای نگهبانی فر زردشت که در آب نگهبانی می‌شد می‌دانستند آبی و در گمتاری دیگر. نیلوفر آبی بر خلاف رنگ سرخ، بند از اسلام نیز به کرات خصوصاً در کاشیکاری‌ها به همراه درخت مقدس از مضمون‌های آشنا و سنتی طرح‌های عصر اسلامی به شمار می‌رود. نیلوفر، نیلیر، لوتوس<sup>۲۴</sup> و... در فارسی گل آبراد یا گل زندگی نامیده می‌شود. در اساطیر کهن هندی<sup>۲۵</sup> نیلوفر یکی از نشانه‌های بزرگ آفریش و از نشانه‌های ایزدان بانوان معروف هده به شمار می‌رفته است. در اساطیر ایرانی نیلوفر، گل ناهید به شمار می‌رفته و ناهید تصویر اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده است.<sup>۲۶</sup> رنگ گیود نیلوفر علاوه بر تصاویر معمولی گاهی مظهر ماتم و عزا به حساب آمده است.<sup>۲۷</sup>

و آنگاه باوای پرغرور عشق خود را دیدم  
در آستانه پرنیلوفر باران  
که پیرهنش دستخوش بادی شوخ بود  
و آنگاه بانوی پرغرور باران  
در آستانه نیلوفرها  
که از سفر دشوار آسمان بار می‌آمد

(احمد شاملو)<sup>۲۸</sup>



همانگی رنگ‌های مجاور در مسجد شمس‌الدین لاهیجان  
نقشماهی‌های آبی و سبز در هماهنگی با چنگل‌ها، مزارع چای و برنج‌زارها است.  
در حالی که بک‌های آبی و سبز در نقاد با تک‌بک‌های بناهای اطراف است.  
حسن وحدت: ص ۱۵۱

می‌گذاشتند و در هفت پیاله سکه سفید و نو می‌انداختند هفت‌سین در سفره نوروز زماننده این رسم کهن است. در شاهنامه، هفت‌خان سرگذشت رستم است هنگامی که برای نجات کیکاووس به مازندران می‌رود و هفت آفت بزرگ را از سین می‌برد. همچنین مطابق تورات آفرینش عالم در شش روز تمام شد و روز هفتم حیواند به آرامش و استراحت گذراند و...<sup>۲۹</sup>

### ب- اسطوره‌های ایرانی و رنگ

تجلی اسطوره در ایران باستان. خاصه با طلوعه زردشت و تلور فره ایریدی (هورامزدا) و آیس‌های خاص آن بیش از پیش نمایان شد و جاودانگی اساطیر بر اساس معاهیم و تعالیم زردشت حسمان بیشتری یافت.

در مواجهه خود با اساطیر ایرانی و در ساحت اسطوره‌شناسی رنگ‌ها، دو رنگ سرخ (سمبولی از آتش) و آبی (تجلی لوتوس) را شاید بتوان بیش از دیگر رنگ‌ها متضمن محتوایی اسطوره‌ای (و تا حد زیادی آیینی) دانست. بر این اساس، آتش مقدس که فرزند هورامزدا دانسته می‌شد<sup>۳۰</sup> سرخی آن از سمبول‌های ماندگار این دوران کهن به شمار می‌آید و به همین دلیل است که ما خصوصاً در قبل از اسلام رنگ سرخ را دارای مضامین اسطوره‌ای زیادی می‌بینیم. آیین چهارشنبه‌سوری که یادگار این دوران است، خود بیانگر جایگاهی است که سرخی (آتش) نزد ایرانیان داشته است. آنان قبل از نوروز به آتشکده می‌رفتند و معتقد بودند در این روز، فرورهای نیاکان به زمین می‌آیند و آتش راهنمای آنهاست همچنین در اسطوره‌های ایرانی گاهی رنگ سرخ به عنوان نمودی از خون، مظهر باروری آورده شده است.<sup>۳۱</sup> چنانکه پس از رفتن سیاوش به توران زمین و ازدواج او با فرنگیس و پادشاهی او و در نهایت کشته شدن او، از خون او گیاه (مظهر باروری) به وجود می‌آید.<sup>۳۲</sup>

از دیگر مضامین آشنا و سنتی ایرانی نیلوفر آبی<sup>۳۳</sup> است (حتی هورامزدا نیز بارها با یک شکوفه نیلوفر آبی نمایش داده شده

می‌تواند در مورد گوناگون‌ترین و ماشابه‌ترین  
حیثیت به کار رود و از این طریق آنها را به وحدت مفهومی

در سیموس رنگ‌ها، سه، چهار و هفت، دارای جوهریت  
حیثیت هفت از این دیدگاه سه، به عنوان عدد و به  
این مقدار هفت معرف بنیادی از روح، جان و جسم است.<sup>۳۴</sup>  
این حیثیت را به وجود می‌آورد و چهار، (چهار رنگ که  
در رنگ‌های اولیه در چشم) نمایانگر مربع در هندسه و  
حیثیت کفایت تریگنر طبیعت (سرمه، کرما، رطوبت، خورشید)<sup>۳۵</sup>.  
حیثیت تریگنر فصول سال. کیفیات تاثیرپذیر ماده (آتش، آب،  
خاک، چهار جهت اصلی و نمونه‌هایی از این دست که پیامد  
در روح چهار که مونت است.<sup>۳۶</sup> به همراه سه، اصل مذکر،  
است با که بر کمال مطلق است پدیدار می‌کنند.<sup>۳۷</sup> این اعداد  
حیثیت مختلفی در معماری نیز هستند که همراه با دیگر  
سین اسطوره‌ای است.

حس عدد هفت (سمبولی از تخته هفت‌رنگ) از کهن‌ترین  
نقش‌ها، رنگ شوی در بین‌النهرین به همه جهات ساطع شده  
است و این عدد از دیرباز مورد توجه خاص اقوام و ملل بوده  
است. بر این اساس، شش به کار رفته است. قدیمی‌ترین  
سین که به هفت توجه کرده‌اند قوم سومر است، زیرا آنان برای  
سین در تخته سیات شدند و آنها را به صورت ارباب انواع  
پدیدار ساخت عدد هفت. در آیین مهری نیز سبب شده که  
روح سیموس به کمال در این آیین همانند تصوف دوره اسلامی،  
عدد هفت باشد.<sup>۳۸</sup> در تاریخ ایران این عدد توجه شایانی دارد.  
سخت مشاهیر قلمه همان، دورتادور هفت دیوار بود، قبر  
پیش از هفت مرغاب روی یک صدف قرار گرفته که بر  
سنگ سیموس استوار است و هفت پله دارد. در نوروز کهن روی  
سخت شامه از درخت‌های مقدس (زیتون، پسته، آلبان و...)



سیمبولیسم رنگ طلایی در بیت‌المقدس



نمایش‌بندهای رنگی در کلیساهای گوتیک و رنگ‌های اساطیری

وجودند و سفیدند (۵) لطیفه خفیه مرکز سر است و عیسی وجود دارد و رنگ خاص آن اسود نورانی است. (۶) لطیفه روحیه مرکز روح است و داوود وجود نام دارد و به رنگ زرد است و (۷) لطیفه حقیقت است که مرکز الهی است و محمد نام دارد و به رنگ سبز است. سبز درخشان یا به رنگ زمرد<sup>۳۳</sup> به عقیده کورین؛ رنگ مناسب‌ترین رنگ‌ها برای بیان سر غیب‌الغیوب است.

### رنگ در معماری ایینی: اسلام و مسیحیت

در میان ادیان ابراهیمی، اسلام و مسیحیت توجه بیشتری به مقوله هنر دینی و مبنای سمبولیک آن معطوف داشته‌اند و بر آن در معماری مذهبی هر یک نیز قابل مشاهده است. توجه به این مضامین به اندازه‌ای است که در عهد عتیق خوانند به موسی دستور می‌دهد که لباس کاهنان را از نخ‌های آبی، ارغوانی، قرمز و رشته‌های طلایی فراهم کند.<sup>۳۴</sup> در شرح زندگی پاتریک مقدس اشاراتی است به این که موسی هشت رنگ در لباس روحانی هارون نهاد باید این هشت رنگ که همه رمز و نقش‌اند جامه‌های روحانی پیدا گردد. پس آمده است: چون کشیش به رنگ زرد نگاه کند در می‌یابد که جسمش چیزی جز خاک و غبار نیست<sup>۳۵</sup> و نیز رنگ آبی که در لباس هارون جای داشت فرماتی به او بود که لذات دنیوی را از دل براند آبی رنگ آسمان

درویش (آنیما)<sup>۳۶</sup> به طوری که سیاه نماد انیماس است و حکایت از پر رمز و راز بودن و ناخودآگاه بودن آن دارد همچنان که ۷۲۸ نیز به رنگ سیاه است...

### متافیزیک صورت‌های سمبولیک (اسطوره دینی)

از جایگاه ساخت قدسی هنر، رنگ‌ها متضمن مراتبی هستند و آنها را نماد حالات و مراتب وجود در عالم می‌دانند نجم‌الدین رازی در مرصادالعباد<sup>۳۷</sup> مقام نفس را دارای نور ازرق، حاصل ترکیب نور روح با ظلمت نفس می‌داند... با زیاد شدن نور روح و کم شدن ظلمت نفس نور سرخ مشاهده می‌شود و با غلبه کردن نور روح، نور زرد بیدار می‌گردد؛ پایان یافتن ظلمت نفس نور سفید و حاصل آمیخته شدن نور روح با صفای دل نور سبز است و آخرین مرحله و با صاف شدن کامل دل، نوری چون نور خورشید نمایان می‌گردد. همچنین به هر یک از هفت اندام لطیف<sup>۳۸</sup> و نیز هفت پیامبر وجود مطابق با اینکه عارف به چه مرحله‌ای از شهود رسیده باشد رنگی خاص را متصف دانستند چنانکه: (۱) لطیفه قالبیه که عبارت است از اندام جسمی لطیف و آدم وجود و رنگ خاکستری دارد. (۲) لطیفه نفسیه یا نفس فرومایه، نوح وجود و به رنگ آبی است. (۳) لطیفه قلبیه پایگاه من معنوی است و ابراهیم وجود و به رنگ سرخ<sup>۳۹</sup> است. (۴) اندام ذکر و مناجات، موسی

صادق هدایت در نثر سوررئال خود، بوف کور، مکرراً از گل نیلوفر سخن رانده است:

«... روبروی او دختری با لباس سیاه بلند خم شده به او گل نیلوفر تعارف می‌کرد...»<sup>۴۰</sup>

نمونه‌ها و مصادیق اسطوره‌های کهن، چه در ادبیات و چه در معماری، قابل مشاهده است، به طوری که مقولاتی نظیر تضاد رنگ‌ها، تعادل رنگ‌ها<sup>۴۱</sup> هماهنگی رنگ‌ها و مواردی از این دست در این نمونه‌ها شایان توجه است؛ مثلاً در مقوله تضاد رنگ‌ها که نمایان‌ترین تجلی آن به صورت دو رنگ سیاه و سفید مطرح می‌شود باز در بوف کور مشاهده می‌کنیم که «هدایت» بارها و بارها از ثنویت ظاهری سیاه و سفید گفته و رنج و عذاب روح ناعه بشری را که به دو جزء تقسیم شده و سرگشته و در جستجوی رسیدن به یگانگی است، بیان کرده است:<sup>۴۲</sup>

من این جزیره سرگردان را

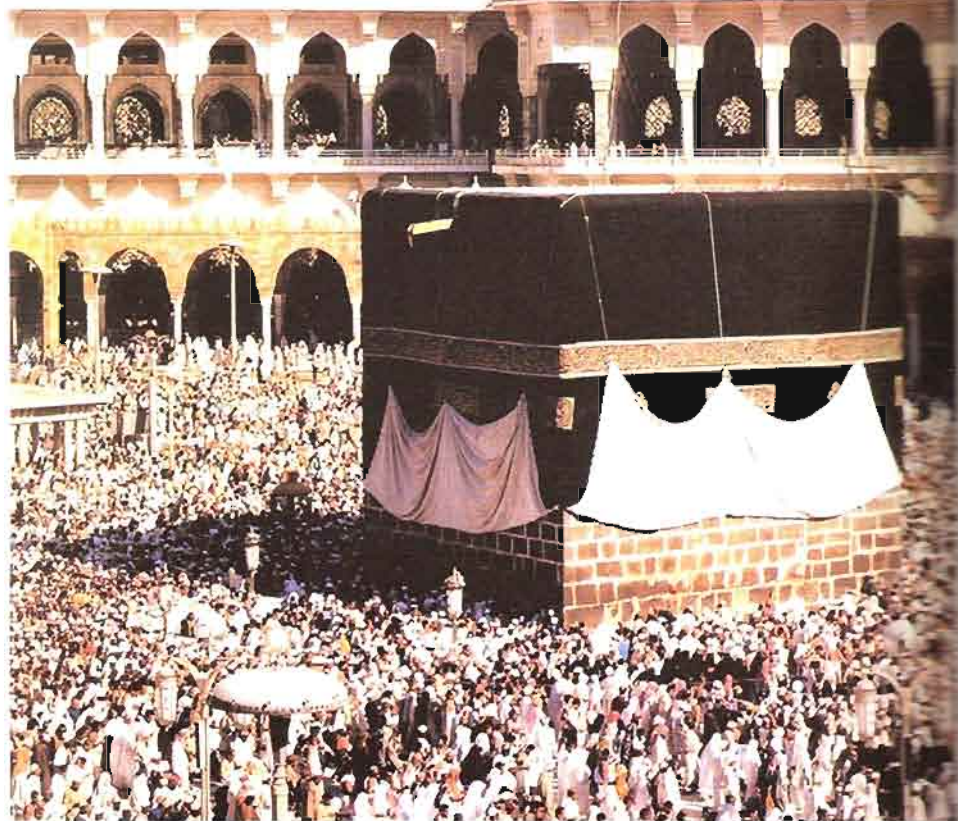
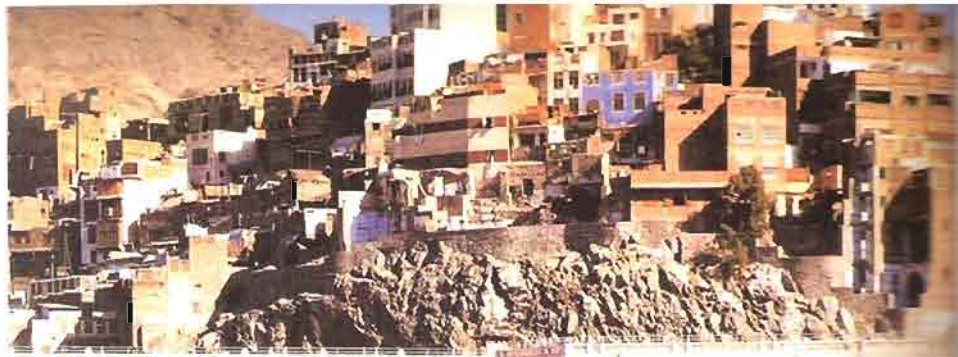
از انقلاب اقیانوس

و انفجار کوه گذر دادم

و تکه تکه شدن راز آن وجود متحدی بود

که از حقیرترین ذمه‌هایش آفتاب به دنیا آمد (فروغ فرخزاد)<sup>۴۳</sup>

به تعبیر سیروس شیما، بوف کور گلایه‌ای است از این کثرت و تنوع به انزوا کشیده، بوف کور داستان مرد است و روان زنانه



رنگ سیاه کعبه، راز وجود نور خدایی و رنگ الهی است.



سمبولیسم سبز در مینیاتور، عروج پیامبر اکرم (ص)

است که دو بعد ذاتی آن، گذشته (آبی) و آینده (زرد) می‌باشد و در تضاد یا آن زمان حال (قرمز) نشان داده شده است.<sup>۵۰</sup> بر اساس سنت، هنگام نزول وحی افق به رنگ سبز درمی‌آید اما در زمان معراج، پیامبر اکرم در آخرین مرحله سفر خود به حضور پروردگار با پارچه دیبای سبزی موسوم به رف رف که از آسمان اویزان بود عروج کرد. از امامان شیعه در مورد اهمیت رنگ سبز اقوال متعددی موجود است: برای مثال از قول امام علی‌التقی (ع) است که پروردگار این شال را از زمرد سبز ساخت، آسمان رنگ سبز خود را از این شال وام می‌گیرد.<sup>۵۱</sup> رنگ سیاه نیز در اسلام به همراه رنگ سبز، رنگ خاص اهل بیت دانسته شده است. رنگ سیاه نوری درخشان است که خود می‌تواند جلوه‌های نهان الهی را پیدا کند رنگ سیاه نمادی است از فنا شدن خود که شرط لازم برای متکامل شدن است. رنگ سیاه پوششی برای کعبه، راز وجود، نور خدایی و رنگ الهی است.<sup>۵۲</sup> از نظرگاه شارح گلشن راز<sup>۵۳</sup>، سیاهی و تاریکی که در مرتبه‌های برای ارباب کشف عشیریه است همانا نور ذات مطلق است:

این فقر حقیقی است الحق  
 آنجاست سوار وجه مطلق  
 شیشه فنا در این نیام است  
 آن نور سیه درین مقام است.

رنگ طلایی نیز که خصوصاً بعد از رسمیت یافتن آیین مسیح توسط کنستانتین، به دلیل اشرافی بودنش نمود فراوانی یافت، از رنگ‌هایی است که در مسیحیت بسیار شایان توجه است به گونه‌ای که حتی زرگری به عنوان شریف‌ترین حرفه آبدی در خدمت کلیسا دانسته شده است.

در اسلام، سمبولیسم سبز، متضمن عالی‌ترین معانی عرفانی است و بالاخص در اطراف نام حضرت خضر (ع) تجلی می‌کند خضر سبزه‌پوش جاوید است. عطار در منطق‌الطیر از قول طوطی می‌گوید

خضر مرعانه از آتم سبزه‌پوش  
 تا توانم کرد آب خضرنوش

و مقصود از آب خضر، آب حیات است.<sup>۵۴</sup> خضر خود پیامبری است که از آب حیات خورده و زندگی جاوید پیدا کرده است. به او هماره سبز و نیز سبزه‌گون هم می‌گویند. در عقل سرخ<sup>۵۵</sup> پیر به سالک می‌گوید اگر در طلب چشمه آب زندگانی هستی خضروار پای‌افزار در پای کن که همان آشنایی با رازی است که به کمک آن می‌توانی از کوه قاف گذشت و به سرچشمه زندگی رسید

من در این زندان آهن مانده باز  
 ز لرزوی آب خضرم در گذار<sup>۵۶</sup>

همچنین در اسلام رنگ سبز به صورت امید باروری و ابدیت

بهرت شده برای جشن‌های فرشتگان است. آبی ایت صلح، آگاهی، معنویت، مسیحی و عشق به جمال است.<sup>۵۷</sup> ریش نور از پنجره‌های کلیساهای گوتیک، اوج تجلی نور و جنگ و رمزپردازی آنها در آیین مسیحی است. شیشه‌های رنگی کلیساهای گوتیک را گشایشی به سوی بهشت توصیف کرده‌اند.<sup>۵۸</sup> یونانی‌ها در نوشته‌های خود چنین بیان می‌کنند:<sup>۵۹</sup> نوری که توسط شیشه‌های رنگین شکسته شده دیگر نارسیدگی و حامی سبزی بیرون نیست، بلکه امید است و سعادت آبدی، در عین حال رنگ آن شیشه‌ها خود به نور تبدیل شده یا به بیانی صحیح‌تر، ریشی روز به وساطت رنگ شفاف و درخشان شیشه، غنای حسی خود را بر آفتاب می‌انبازد. رنگ غالب در شیشه‌ها منقوش می‌است که نمودگار ژرفا و آرامش آسمان است و به طور کلی کلوتر سزارآمیز رنگ آبی عمدتاً به صورت سکوت و آرامش جلوه می‌کند و اغلب اوقات رنگ لباس حضرت مریم با رنگ آبی یک‌سبزی شده است.<sup>۶۰</sup> در شیشه‌بندهای منقوش، رنگ‌های قرمز، زرد و سبز که کمتر به کار می‌رود، گرانمایتر می‌نماید و تصور سبزه‌گون، گل‌ها، در و گوهر یا قطرات خون مسیح را به خاطر می‌آورد و به همین جهت است که خصوصاً رنگ قرمز در مسیحیت جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و خون (شراب)<sup>۶۱</sup> مسیح قداست حتی خود را جاودان نموده است.



باغ قین (باغ ابراهیم، ص. ۸۱)



تصویر ازلی باغ با رنگبندی ویژه فضایی رنگ به بی نوشت ۵۹

### مینیاتور و اسطوره باغ

برداشت بنیادین هنر مشرق‌زمین را اعتقادی راسخ بر این بود که رنگها جوهر یا ذات مستقل نیستند بلکه نمود عرضی-یا موضعی- تشعشع نورانی‌اند؛ یعنی جوهری که آنها را متعالی می‌سازد و تمامیت می‌بخشد.<sup>۵۹</sup> با توجه به این اصل معتقدند که نگارگر ایرانی کشش به سوی رنگهای صادق یا دست کم رنگهای ناب دارد، همچنین این دیدگاه وجود دارد که هنر مینیاتور، مبتنی بر مکاشفت در عالم نور است و واسطه تجسد اولیش یعنی رنگ بر اساس این‌گونه برداشتهای آیینی، نگارگر ایرانی (اسلامی) را بری از توجه به عالم کثرت و حس که یکی از نمودهایش دست یازین به سایه-روشن و استفاده از پرسپکتیو در طرح‌هاست، دانسته‌اند و آنرا نزول هنرمند از مقام تخیل ابتدایی (بر خلاف مینیاتور) دانسته‌اند.<sup>۶۰</sup> داریوش شایگان در کتاب بتهای ذهنی و خاطره ازلی<sup>۶۱</sup> نبود سایه در مینیاتور را نوعی نفوذ معنویت می‌داند و تجلی رنگها را به گونه‌ای ضیافت نور تشبیه می‌کند و به این نکته اشاره دارد که فضای مینیاتور به دریافتی کیمیایی از نور و تخیل وابسته است. رنگبندی ویژه این فضا به تمیز با قوانین امتداد مفهومی، توالی زمان و رابطه علی منطقی برخاسته است و جهانی را به نمایش می‌گذارد که در آن چشم از سطحی به سطح دیگر می‌گذرد بی‌آنکه اعتنا به قوانین پرسپکتیو کند.<sup>۶۲</sup> وفور رنگها در مینیاتور صورت ازلی گرانقدر نزد ایرانیان یعنی باغ بهشت است.<sup>۶۳</sup>

بنابراین در مینیاتور رنگها جوهری اتیری‌اند که بر اثر تابش نور به فعالیت مادی درمی‌آیند و نور به تعبیری نه مسلما خود بهشت، که پیش‌درگاه آن است؛ دنیایی برخی که در حکمت فراطبیعی زردشتی که بعدها به اهتمام سهروردی برکشیده شده و توسعه یافت و به بیان شیوای شیخ محسن فیض سوفی: دنیایی که در آن ارواح جسمانیت می‌یابند و اجسام روحانیت (به نقل از هاتری کورین)- بنابراین در مینیاتور شکل‌های رنگی فرای ظواهر معمول، ذات‌ها یا مثلی هستند که به صورت عینی در برابر دیدگان نقش بسته‌اند.<sup>۶۴</sup> هاتری کورین در «سرزمین ملکوت و اجساد رستاخیزی» خاطرنشان می‌کند که زردشت در مسیر خود به سوی سرزمین الهامات بالای کوهی توقف کرد و همانجا بود که میان شکوفه‌های گل‌های وحشی و جریان چشمه‌های جوشان، فر ایزدی یا آن نور ملکوتی که هیچ‌گاه سایه نمی‌افکند بر او مشکوف شد.<sup>۶۵</sup>

نور سیاه از نهایت قرب به حق برای آدمی ظاهر می‌شود. این حکایت از نهایت ظهور جمال حق می‌کند که سالک از شدت ظهور می‌سوزد چنانکه سهروردی لب زندگانی را در ظلمات می‌جوید. همچنین سیاه را نماد اصل فراوجودی دانسته و آنرا از وجود مطلق به مفهوم متعارف هم بالاتر قرار داده‌اند.

### رنگ و نور<sup>۵۴</sup>

در سده ۷ ق.م. زردشت در کتاب مقدس اوستا به پیروان وارسته خود وعده می‌داد که به باغ بهشت یا مینو، منور به نوری ناب، تجزیه‌ناپذیر و زاینده همه رنگها راه خواهند یافت؛ و عده‌ای که در میانه سده ۶ ه.ق. مینای حکمت متعالی شهاب‌الدین سهروردی قرار گرفت.<sup>۵۵</sup> در پیش اسلام نیز رنگ در وهله نخست از دیدگاه روحانی در نظر گرفته شده است.<sup>۵۶</sup> آنچه معرف تنویت نور و ظلمتی است که در نهان خلقت آسمانی وجود دارد، بنا بر بیان جلال‌الدین رومی، دنیای رنگ نیز نمی‌تواند خالی از تضاد باشد و شگفتی در این است که رنگ از چیزی بدون رنگ نشأت می‌گیرد:

شب نبد نور و ندیدی رنگ را  
بس به ضد نور پیدا شد تو را  
دین نور است آنکه دید رنگ  
وین به ضد نور دانی بی‌درنگ<sup>۵۷</sup>

آنچه بدون رنگ است نور محض، قلمرو سلطنت وجود منزه و یگانه مطلق است که در آن هیچ اجزایی وجود ندارد. غزالی<sup>۵۸</sup> سختی شناخت خدا را مربوط به درخشش او می‌داند و به سبب درخشش نور وجود اوست که توانایی ادراک او وجود ندارد. چنانکه درک نوری که در وراء رنگها تجلی می‌کند و رنگها توسط آن آشکار می‌شوند، توسط متضادش میسر است و اگر توسط سایه «متضادش» پوشیده نمی‌شد، وجود آن قابل درک نبود... وجود نور مطلق نخستین، خدا، روشنایی جاوید و آشکاری به جهان می‌بخشد که همه چیز را به وجود می‌آورد و هر چیزی در جهان از نور وجود او مشتق شده است:

گرچه آهن سرخ شد او سرخ نیست  
پرتو عاریت آتشرتی است  
گر شود پرتو روزن یا سرا  
تو ملان روشن مگر خورشید را

### دیالکتیک معنایی در معماری اسطوره‌ای

رمزشناسی و آنگاره‌های تصور شده در مقوله‌های اساطیری-دینی و تجلی آنها در معماری تنها بخش کوچکی از نمونه‌ها و مثال‌های موجود از شکل‌های مختلف فهم انسان از جهان که کاسیرر برخی از آنها را به صورت زبان، اسطوره، هنر و دین بیان می‌کند می‌باشد.<sup>۶۶</sup>

متافیزیک تاویلی رنگها در معماری آیینی به عنوان صورتی سمبولیک، نگاهی است به مبحث رمزپردازی معماری، اما آنچه در اینجا لازم به ذکر است این است که نگاهی به مفاهیم سمبولیک از دیدگاه‌های مختلف (تفسیر زبان، اسطوره، دین و...) قابل تامل است و چنانچه از منظرهای مختلف به مفاهیم سمبولیک و رمزی کهن الگوهای معماری بپردازیم صراحت تقسیم‌بندی و انتصاب حالات و یا کیفیات خاص شاید به نوعی مسخر به عامیانه کردن آنها شود. در حالیکه پرداختن به مصادیق مختلف کاربرد آنها، بعضا ما را به تضادی محسوس نسبت به دیدگاه اولیه و قالبی خود خواهد رساند؛ به بیانی دیگر استاره در رنگها ممکن است از جایگاه‌های مختلفی نظیر تاریخ ملل، ادیان، روانشناسی و... قابل تامل و متفاوت با یکدیگر ارزیابی شود. به عنوان مثال چنانکه در بخش رنگ و ادیان ذکر شد در اسلام رنگ سبز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مکررا نمادهایی از آنرا به صورت امید باروری و... مشاهده می‌کنیم. مصادیق‌های کاربرد این رنگ در معماری مذهبی نشانگر توجه به مضامین اسطوره‌ای آن است، اما همین رنگ سبز در عین حال که شروع زندگی جدید است. در داستان رستم و سهراب به گونه‌ای بیان می‌شود که بی‌اعتبار در بقاست، زیرا همه چیز فانی است.<sup>۶۷</sup> یا در مورد رنگ زرد که در مشرق‌زمین دارای تقدس ویژه‌ای است.<sup>۶۸</sup> در مسیحیت در یک دوره تاریخی رنگ شک و خیانت می‌شود.<sup>۶۹</sup> و به صورت رنگ لباس «یهوذا» در پرده‌ها جلوه می‌نماید.<sup>۷۰</sup>

دیالکتیک معنایی در مقوله رمزشناسی رنگها در معماری نیز نشانه‌های خود را متجلی می‌سازد به طوری که نظام اسطوره‌ای در معماری، به گستره زندگی فکری، اقتصادی، فرهنگی انسان و ارتباط او با طبیعت مربوط می‌شود؛ گستره‌ای که ویتگنشتاین یک بار آنرا همچون مارکس تاریخ طبیعی انسان خواند.<sup>۷۱</sup>

دیدگاه اسطوره‌شناسانه (با تفسیری که کاسیرر از آن ارائه می‌دهد) به دنبال نمایانن واقعیت‌های خاموش شده در پس تکرارها و تقلیدهای بعضا بدون انتخاب امروزین ما از الگوهای گذشته است و پیامد خود ما را در مواجهه نقدانه و نه صرفا تقلدانه از آنها یاری می‌دهد و از سویی دیگر به ارتباط تنگاتنگ آنها با نحوه زندگی افراد اشاره دارد بنابراین متافیزیک و بیش متافیزیکی در بررسی خود به دنبال یک حلقه رابط جهانشمول برای اسطوره می‌گردد. در حالیکه معرفت‌شناسی انتقادی مدرن و نقد اسطوره‌گرا بر این عقیده است که اندیشه اسطوره‌ای درجات مختلفی از واقعیت ندارد و درجات تمایزکننده‌ای برای تعیین قطعیت عینیت نیز وجود ندارد و بیشتر به دنبال مشخص کردن حوزه‌های مختلف بررسی خود می‌باشد تجلی اعداد اسطوره‌ای در معماری و یا استفاده از مضمون‌های آشنایی همچون درخت مقدس، باغ و... دلالت بر همپایایی و همبستگی اسطوره با دیگر مقوله‌های زندگی در زمان خود است. در حالیکه مقاله رویکرد معرفت‌شناسانه با مقوله تاریخ مقدس به خاطر «تئو»<sup>۷۲</sup> ساختن از این مفهوم‌های آشنای زندگی است. جایی که اسطوره‌های سیاسی در معماری، سایه خود را بر این مضمون‌ها انداخته و موجب جنا نشین آنها از جریان زندگی می‌گردد. ■

عمر اسطوره‌ها را در قرون جدید به خصوص توسط نظریه‌پردازانی نظیر  
ایکس کاسیرر، میرچا الیاده و... پیگیری شد و هدف کلی آن گریز از  
حسرت‌های سیاسی بود که سیطره خود را روزافزون می‌نمود. به این  
عبارت که فلسفه اسطوره‌شناسی مبدل به فلسفه‌ای برای اعمال سیاسی  
می‌شد. این دیدگاه‌ها برای رها کردن توجیه عقلانی فراهم می‌کند  
محقق تلاش آگاهانه‌ای است جهت منزلت کردن مبانی حقیقت  
سری که اعتبار جهانی دارد و نظر دولت را تأمین می‌کند.  
این مقاله بیشتر رجوع کنید به:

اسطوره‌های اسطوره، میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری  
موسسه دولت، ایست کاسیرر، ترجمه یدالله موفقی  
اسطوره‌شناسی سیاسی، ناصر فکوهی

کاسیرر، ارنست، فلسفه صورت‌های سمبولیک، جلد دوم، ترجمه یدالله  
موفقی، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص. ۳.  
میرچا الیاده در کتاب چشم‌اندازهای اسطوره، اسطوره را نقل‌کننده  
حقیقتی قلمی و مینوی می‌داند و آنرا متضمن روایت یک خلقت عنوان  
می‌کند.

تئودور اگنل کلی، جوهر عقلی در اسلام

نگ به بی‌نوشته ۲، ص. ۷.

Schelling, p. 258: نگ به بی‌نوشته ۲، ص. ۵۲

این مقاله به توضیح است که برخی از نظریه‌پردازان، کاسیرر را یک نوکاتی  
می‌دانند.

اسطوره‌ها، نگ به بی‌نوشته ۲، ص. ۹.

9- Numen  
تئودور اگنل، دنیویوش، به‌های ذهنی و خاطره ازلی، انتشارات امیرکبیر،  
چاپ اول، ۱۳۳۵، صص. ۱۱۵-۱۲۳.

11- Myth

12- Theology

نگ به بی‌نوشته ۲، ص. ۵۶

همان، ص. ۲۲۶

مدرسه نو سازمان نوسازی مدارس کشور، پاییز ۷۴، ص. ۱۹.

همان، ص. ۲۰.

اینک در روانشناسی و دین می‌نویسد: تکلیت محضراً جنبه نریستی  
تکلیت تریغ می‌تواند رمز موجود دو جنسی نر- ماده باشد. نگ: سیروس  
سیدحاشانی یک روح، ص. ۱۲۱.

همان، ص. ۳۷.

نگ به بی‌نوشته ۲، ص. ۲۳۳.

در مورد تقدس عدد هفت می‌توان اشاره داشت به:

هفت یا هفت که در رابطه با هفت سیاره هستند هفت نوع فلز که در  
علم معیون وجود دارند (سرب، آهن، قلع، طلا، مس، جیوه و نقره) هفت  
کتاب یا آیه‌ها وجود داشت، هفت مرکز در بدن در رابطه با هفت  
صفت چیز عجیب که سپهروردی در عقل سرخ به آنها اشاره  
می‌کند (کوه قاف، گوهر شهاب‌افروز، درخت طوبی، دوازده کارگاه، زره  
تبع یلارک و چشمه زندگانی) و... (دکتر یاقتی، فرهنگ اساطیر،  
ص. ۳۳۳)

همان، ص. ۱۷۱.

پیار، مهرداد، اساطیر ایران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ  
اول، ۱۳۵۳، ص. ۵۵.

لازم به توضیح است در اساطیر یونان هنگامی که دیوسزوس پسر  
زیوس به توطئه نامادربش قطعه‌قطعه می‌شود از خورش درخت انار (که  
در اساطیر یونان مظهر باروری و فراوانی است) می‌رویید  
در مورد جایگاه رنگ سرخ در اساطیر ایرانی بد نیست به این  
اشاره داشته باشیم که واژه سور (نظیر چهارشنبه‌سوری) به معنی سرخ  
و سرخ‌روختن آتش سرخ است:

رنگ کی سوری خیز ای نگار

گل سوری می سوری بیار

نگ هنر و مردم، اسفند ۱۳۴۵-فروردین ۱۳۴۶، ص. ۳؛ همچنین درباره  
این چهارشنبه‌سوری نگ: هنر و مردم، ش. ۵۳ و ۵۴ و نیز نگ، فرهنگ  
اساطیر، ص. ۱۷۱.

نیلوفر را در یونانی نمفیا می‌گویند که به نظر می‌رسد با واژه نمفاها  
(Nymphae) که در اساطیر یونان به صورت زنان جوان تصور می‌شوند  
مرتبط نباشد.

26- Lolus

نیلوفر را یکی از سه آرکتیپ اصلی هنر بودا (شمایل بودا، مانالا،  
سیر) دانسته‌اند. نگ: حکمت معنوی و ساخت هنر، ص. ۱۴۴.

۲۸- نیلوفر در یادگارهای هنری بودایی فراوان است و یک نماد بودایی  
تصور شده در حالیکه مربوط به آیین مهری است. (محمد مقدم، تشریح  
فرهنگ ایران باستان، ش. ۳، ص. ۶۴)

مقدم معتقد است که در صحنه زایش مهر، آن چیزی که مانند میوه  
کاج است و مهر از آن بیرون می‌آید آنچه نیلوفر است.

۲۹- فرهنگ اساطیر، ص. ۴۲۹.

۳۰- احمد شاملو، برگزیده اشعار، ص. ۱۰۴.

۳۱- بوف کور، صادق هدایت، ص. ۱۲.

۳۲- در شاهنامه، به عنوان نمونمای از بکارگیری تعادل رنگ‌ها، تعادل  
دو رنگ سبز و قرمز اینچنین مطرح شده است:

چو دریای سبز اندر آید ز جای  
ندارد دم آتش تیز پای

نگ: شاهنامه (داستان رستم و سهراب)، مجتبی مینوی، ص. ۶۱ سطر ۶۱۴

۳۳- نگ: سیروس شیماه، داستان یک روح

۳۴- فروغ فرخزاد، ایمان بیایوریم به آغاز فصل سرد

۳۵- «بین» و «بانگ» در اساطیر چینی معرف زوج متضاد هستند. بر  
اساس این تفکر، تمام پدیده‌های طبیعی شامل یا تابع یک مضاعف هستند.  
این زوج‌های متضاد برخلاف تضادشان نفی‌کننده یکدیگر نیستند بلکه هر  
کدام شرط وجود دیگری است (زیبایی‌شناختی در معماری، ص. ۱۵۲).

همچنین برای اطلاع بیشتر نگ سزانو، میگونل، ال-لا (EL-ELLA)  
ترجمه سیروس شمیسا؛ در معماری هماهنگی رنگ‌های متضاد عمدتاً  
شاخص معماری مناطق گرم و خشک ایران است... سقف‌های آبی و  
سیر (مانند کاشیکاری گنبدها) در تضاد با رنگ‌های زرد معماری کویری  
اطراف است... (نگ: حس وحدت، ص. ۵۱)

۳۶- رازی، نجم‌الدین، مرصادالساد، انتشارات علمی، چاپ ششم، ۱۳۷۳،  
ص. ۱۷۰.

۳۷- شایگان، داریوش، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر  
پرهام، انتشارات فرزاد، چاپ دوم، ص. ۱۲۱.

۳۸- در عقل سرخ سپهروردی، سالک در بیان شخصی سرخ‌روی  
می‌بیند و تصور می‌کند که او جوانی است... بعد سالک متوجه می‌شود  
که در برابر او سپهروردی است یا محاسن سپید و نورانی، از او سر این  
اشتباه را جویا می‌شود و پیر می‌گوید که مدتی در چاه سیاهی (نشان  
از ظلمت و نادانی) بودم و چون سپیدی نور با سیاهی به هم آمیزد،  
سرخ پدیدار می‌شود؛ مانند شفق اول باسلا و شاسگاه. (نگ: آفاق تفکر  
معنوی، ص. ۳۰۶)

شریعتی سرخ را تبلور و تجلی عشق آنتین می‌داند و با تأمل بر عقل  
سرخ سپهروردی در پی هم‌شدن کردن آن با عشق سپید و رسیدن به  
آرمان عشق طلایی و آفتابی است... نگ: هیبوط در کویر، علی شریعتی،  
ص. ۱۷۴)

۳۹- کاندینسکی اعتقاد دارد از نظر موسیقایی بهترین طریقه نشان  
دادن سبب مطلق، نواهای آرام، بلند و تیم‌کوتاه و یولون است. نگ:  
فصلنامه هنر، ش. ۱۵.

۴۰- ترجمه تفسیری عهد عتیق، سفر خروج، باب ۳۹.

۴۱- بنا به اساطیر Musica مردها را با خاک زرد آفریدند و زن‌ها را  
با یک گیاه. نگ: اطلاق آبی، سهراب سپهری، ص. ۲۰.

همچنین کاندینسکی (۱۹۴۴-۱۹۶۶) رنگ زرد را نوعاً یک رنگ زمینی  
می‌داند و معتقد است امکان ندارد به عمق معنی برسد. نگ: فصلنامه  
هنر، ش. ۱۵ (هنر آبنسره)

۴۲- اطلاق آبی، سهراب سپهری، ص. ۳۴.

کاندینسکی در کتاب فرهنگ نمادها می‌گوید:

آبی تیره انسان را به وراء مرزها و محدودیت‌های بشری هدایت می‌کند  
و اشتیاق ماوراءطبیعی را در آدمی برمی‌انگیزد. رنگ آبی نشان راه  
بی‌انتهاست، آنجا که واقعیت به تصور و خیال می‌پیوندد.

۴۳- نگ: فصلنامه هنر، ش. ۳۰، (رحیم نجفی بزرگ)، مبانی هنر معنوی،  
ص. ۱۰۵.

۴۴- هنر مقدس، تیتوس بورکه‌هارت.

۴۵- آیتن، یوهانس. کتاب رنگ، ترجمه محمدرحیم حلیمی، سازمان  
چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۶۷، ص. ۱۲۸.

۴۶- عشای ربانی (شام آخر) آخرین شی که مسیح فدای آن مخلوب  
شده است که در آن شب مسیح به یاران خود نان و شراب داد و گفت  
مادام که از این نان خوردید و از این شراب آشامید مرا یادآوری کنید  
... نگ: فرهنگ اساطیر، ص. ۳۰۸.

۴۷- نگ: تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، محمد مددپور، صص.  
۳۳۲-۳۳۶.

۴۸- نگ به بی‌نوشته ۳۷، ص. ۳۸۱.

۴۹- منطلق الطیر، عطار تیشابوری، ص. ۳۳۷.

۵۰- نگ به بی‌نوشته ۱۵، ص. ۲۰.

۵۱- نصر، سید حسین، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان،  
دفتر مطالعات، ۱۳۷۵، ص. ۶۴.

۵۲- نگ به بی‌نوشته ۱۵.

۵۳- مددپور، محمد تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، انتشارات  
امیرکبیر، ۱۳۷۳، صص. ۲۲۶-۲۳۲.

۵۴- در پیش نمایان مزدایی، رنگ را اولین دختر نور دانسته‌اند. نگ:  
باغ‌های خیال، ص. ۶۰.

۵۵- همان، ص. ۱۰.

۵۶- نگ به بی‌نوشته ۱۵، ص. ۱۸.

۵۷- جلال‌الدین رومی، مثنوی، ترجمه R.A Nicholson، ص. ۱۴۶.

همچنین نگ: اصول و مبانی هنرهای تجسمی، دکتر حلیمی.

۵۸- ادبیات کلاسیک فارسی، ص. ۷۸. (نگ: مدرسه نو، پاییز ۷۴، ص.  
۱۸).

۵۹- کورکیان، ام و سیکر، ژ. پ. باغ‌های خیال، ترجمه پرویز مرزبان،  
انتشارات فرزاد، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص. ۵۴.

۶۰- حکمت معنوی و ساخت هنر، صص. ۱۰۷ و ۱۱۸.

۶۱- نگ به بی‌نوشته ۱۰، ص. ۸۲.

۶۲- سلوچ رنگی و تراکم فضای رنگی در مینیاتور را به تعبیری  
زیبایی‌شناسی گریز از خلا عنوان کرده‌اند. نگ: فصلنامه هنر، ش. ۴.

۶۳- نگ به بی‌نوشته ۱۰، ص. ۸۴.

۶۴- نگ به بی‌نوشته ۵۹، ص. ۶۰.

۶۵- همان، ص. ۲۳۴.

۶۶- نگ به بی‌نوشته ۲، ص. ۱.

۶۷- فصلنامه هنر، ش. ۳۲، رنگ در شاهنامه، ص. ۴۹۱.

به رسم چنین گفت کاووس کی  
که از کوه البرز تا برگ نی  
همی برد خواهد به گردش سپهر  
نیاید فکندن بر این خاک مهر

شاهنامه، مجتبی مینوی، ص. ۸۴ سطر ۱۰۰۸.

۶۸- تقدس رنگ زرد را در شرق دور، از نظر طبیعی مولود خاک  
حاصلخیز لوئس (LOESS) که قسمت‌های وسیعی از غرب و شمال  
غرب چین را می‌پوشاند دانسته‌اند. نگ: تجلیات حکمت در هنر اسلامی،  
صص. ۲۳۶-۲۳۷، در هند نیز رنگ زرد نماد ازدواج است.

۶۹- اطلاق آبی، ص. ۲۰. همچنین در کار البوت، زرد همسایه گناه  
است (همان).

۷۰- مثال‌های از این دست زیاد است مثلاً در یک نمونه دیگر، رنگ  
سرخ که در مسیحیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در بعضی مضامین  
به صورت سمبول شیاطین و دیوسیزبان مطرح است در حالیکه باز  
همین رنگ قرمز در دین شیستو نمادی از خورشید و مقدس است (دایره  
سرخه که در پرچم کشور ژاپن است ماندگاری از این اعتقاد است. نگ:  
ادیان زنده جهان، رابرت هیوم).

۷۱- وینگنشتاین، لودویگ، درباره رنگ‌ها، ترجمه لیلی گلستان، نشر  
مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص. ۱۶۷.

۷۲- مقدس؛ ممنوع

سایر منابع:

۱- اردلان، نادر و بختیار، لاله، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، نشر  
خاک، ۱۳۸۰.

۲- پیار، مهرداد، اساطیر ایران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول،  
۱۳۵۲.

۳- سپهری، سهراب، اطلاق آبی، انتشارات سروش، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

۴- شایگان، داریوش، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر  
پرهام، انتشارات فرزاد، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۵- شمیسا، سیروس، داستان یک روح، انتشارات فردوس، چاپ اول،  
۱۳۷۳.

۶- مبانی هنر معنوی (مجموعه مقالات)، دفتر مطالعات دینی هنر، چاپ  
سوم، ۱۳۷۶.

۷- مددپور، محمد حکمت معنوی و ساخت هنر، حوزه هنری سازمان  
تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۸- مینوی، مجتبی، داستان رستم و سهراب از شاهنامه، انتشارات بنیاد  
شاهنامه فردوسی، ۱۳۵۲.

نی نوشت:

۱- ضد اسطوره‌گرایی در قرون جدید به خصوص توسط نظریه‌پردازانی نظیر ارنست کاسیرر، میرچا الیاده و... پیکیری شد و هدف کلی آن گریز از اسطوره‌شناسی سیاسی بود که سبطاره خود را روزافزون می‌نمود، به این معنی که فلسفه اسطوره‌شناسی مثل نه فلسفه‌ای برای اعمال سیاسی غیر عقلانی دولت شده و برای رهبرانش توجیه عقلانی فراهم می‌کند. همچنین تلاش آگاهانه‌ای است جهت متزلزل کردن ماسه حقیقت عینی که اغتیار جهانی دارد و نظر دولت را نامین می‌کند برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

- چشمه‌آب‌های اسطوره، میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری

- اسطوره دولت، ارنست کاسیرر، ترجمه پداله موقی

- اسطوره‌شناسی سیاسی، ناصر فکوهی

۲- کاسیرر، ارنست، فلسفه صورت‌های سمبولیک، جلد دوم، ترجمه بدالله موقی، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳

۳- میرچا الیاده در کتاب چشمه‌آب‌های اسطوره، اسطوره را متلاکسد سیمبلیستی فلسفی و میوی می‌داند و آنرا متضمن رؤیت یک خلقت عنوان می‌کند

۴- Logos عقل کلی، جوهر عقلی در اسان

۵- تک به بی نوشت ۲، ص ۷

۶- Schelling, p. 216 تک به بی نوشت ۲، ص ۵۲

۷- به توضیح است که برخی از نظریه‌پردازان، کاسیرر را یک نوکالتی می‌دانند

۸- تک به بی نوشت ۲، ص ۹

9- Numen  
۱۰- شایگان، داریوش، بت‌های ذهنی و خاطره ارنی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۲۵۴۵، صص ۱۲۳-۱۱۵

11- Myth  
12- Theology

۱۳- تک به بی نوشت ۲، ص ۵۶

۱۴- همان، ص ۲۲۶

۱۵- نرسه نو، سازمان سوزاری مدارس کشور، پاییز ۷۴، ص ۱۹

۱۶- همان، ص ۲۰

۱۷- بزرگ در روانشناسی و دین می‌بوسد تلیت متحصراً جنبه نرینگی باشد که تربع می‌تواند رمز موجود دو جسی بر- ماده باشد. تک: سیروس شیب... داستان یک روح، ص ۱۲۱

۱۸- همان، ص ۳۷

۱۹- تک به بی نوشت ۲، ص ۲۲۳

۲۰- در مورد تقدس عدد هفت می‌توان اشاره داشت به:

هفت یا هفت که در رابطه با هفت سیاره هستند، هفت نوع فلز که در علم کیمیا وجود دارند (سرب، آهن، قلع، طلا، مس، چوبه و نقره) هفت عنصر یا سورهوا وجود داشت، هفت مرکز در بدن در رابطه با هفت عنصر هفت چیز عجیب که سپهروردی در عقل سرخ به آنها اشاره می‌کند، کوه قاف، گوهر نسا فروز، درخت طوبی، خوابنده کاکایه، زرد توبی، نیل بلارک و چشمه زندگانی و... (دکتر باغی، فرهنگ اساطیر، ص ۱۴۷)

۲۱- همان، ص ۱۷۱

۲۲- بهار، مهرداد، اساطیر ایران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۵۵

۲۳- به توضیح است در اساطیر یونان هنگامی که دیونیزوس یسر نیوس به توبله نامادریش قطله‌قطله می‌شود از خونش درخت انار (که در ماسخ یونان مظهر باروری و قربانی است) می‌زوبد

۲۴- در مورد خطیگاه رنگ سرخ در اساطیر ایرانی بد نیست به این آیه دشته باشیم که واژه سور (نظیر چهارشنبه‌سوری) به معنی سرخ و درخشان آتش سرخ است.

۲۵- سوری خیز ای نگار

۲۶- سوزی می سوزی یار

۲۷- هنر و مردم، اسفند ۱۳۴۵- فروردین ۱۳۴۶، ص ۲؛ همچنین درباره این چهارشنبه‌سوری تک، هنر و مردم، ش ۵۳ و ۵۴ و نیز تک: فرهنگ اساطیر، ص ۱۷۱

۲۸- نیلوفر در یونانی نمفیا می‌گوید که به نظر می‌رسد در وده مصفا (Nymphaeaceae) که در اساطیر یونان به صورت زنان جوان تصور می‌شوند مرتبط باشند

26- Lotus  
۲۷- نیلوفر را یکی از سه آرکتیپ اصلی هنر بودا (شمایل بودا، ماندالا، نیلوفر نیلونه) تک حکمت معنوی و ساخت هنر، ص ۱۴۴

۲۸- نیلوفر در یادگارهای هنری بودایی فراوان است و یک نماد بودایی تصور شده در حالیکه مربوط به آیین مهری است. (محمد مقدم، شریبه فرهنگ ایران باستان، ش ۳، ص ۶۴)

مقدم معتقد است که در صحنه زایش مهر، آن چیزی که ماند میوه کاج است و مهر از آن میروم می‌آید نتیجه نیلوفر است.

۲۹- فرهنگ اساطیر، ص ۴۲۹

۳۰- احمد شاملو، برگزیده اشعار، ص ۱۰۴

۳۱- بوف کور، صادق هدایت، ص ۱۲

۳۲- در شاهنامه، به عنوان نمونه‌ای از بکارگیری تمادیل تک‌ها، تمادیل دو رنگ سبز و قرمز اینچنین مطرح شده است  
چو دریای سبز لدر آید ر حای

مدارد دم آتش تیز پای

تک شاهنامه (داستان رستم و سهراب) مجتبی میوی، ص ۶۱، سطر ۶۱۴  
۳۳- تک، سیروس شیب، داستان یک روح

۳۴- فروغ فرخزاد، ایمان بیابوریم به آغاز فصل سرد

۳۵- «بین» و «یانگ» در اساطیر چینی معرف زوج متضاد هستند. بر اساس این تفکر، تمام پدیده‌های طبیعی شامل یا تابع یک مضاعف هستند. این زوج‌های متضاد برخلاف تضادشان نمی‌کنند یکدیگر نیستند بلکه هر کدام شرط وجود دیگری است (زیبایی‌شناختی در معاری، ص ۱۵۲)

همچنین برای اطلاع بیشتر تک، سرائو، میگوئل، ال-آ (EL-ELLA) ترجمه سیروس شیب، در معماری هماهنگی رنگ‌های متضاد عمدتاً شاخص معماری مناطق گرم و خشک ایران است... سف‌های امی و سبز (مانند کاشیکاری گنبدها) در تضاد با رنگ‌های زرد معماری کوبیری اطراف است... (تک: حس وحدت، ص ۵۱)

۳۶- بازی، نجم‌الدین مرصادالغیاد، انتشارات علمی، چاپ ششم، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰

۳۷- شایگان، داریوش، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه دافر پرهام، انتشارات فرزان، چاپ دوم، ص ۱۲۱

۳۸- در عقل سرخ سپهروردی، سالک در بیان شخصی سرخ‌روی می‌بیند و تصور می‌کند که او جوانی است... بعد سالک متوجه می‌شود که در برابر او پیرمردی است یا محاسن سید و نورانی، از او سر این اشاره را جواب می‌تود و پیر می‌گوید که مدتی در چاد سیاهی (نشان ار ظلمت و نادانی) بودم و چون سیدایی نور یا سیاهی به هم آمیخ، سرخ پدیدار می‌شود مانند شفق اول باغداد و شامگاه. (تک: آفاق تفکر معنوی، ص ۲۰۶)

شریعتی سرخ را تبلور و تجلی عشق آتشین می‌داند و یا تامل بر عقل سرخ سپهروردی در بی هوشنین کردن آن با عشق سید و رسیدن به آرمان عشق طلایی و اقلی است... تک، هیواد فر کوبیر، علی شریعتی، ص ۱۷۴

۳۹- گاندینسکی اعتقاد دارد از نظر موسیقایی بهترین طریقه نشان دادن سبز مطلق، نواهای آرام، بلند و نیم‌کوتاه و پیولون است. تک: فصلنامه هنر، ش ۱۵

۴۰- ترجمه تفسیری عهد عتیق، سفر خروج، باب ۳۹

۴۱- تک به اساطیر Musica مردها را با خاک زرد آفرینند و زن‌ها را با زایک گنبد. تک: اطلاق آبی، سهراب سپهری، ص ۴۰

همچنین گاندینسکی (۱۹۳۴-۱۸۶۶) رنگ زرد را نوعاً یک رنگ زمینی می‌داند و معتقد است امکان ندارد به عمق معنی برسد تک فصلنامه هنر، ش ۱۵، (هنر آسترده)

۴۲- اطلاق آبی، سهراب سپهری، ص ۲۴

گاندینسکی در کتاب فرهنگ نگاه می‌گوید

آبی تیره انسان را به وراه مردها و محدودیت‌های بشری هدایت می‌کند و استیلاقی ماوراءطبیعی را در آدمی برمی‌انگیزد رنگ آبی نشان راه می‌تپاست، آنجا که واقعیت به تصور و خیال می‌پیوندد.

۴۳- تک فصلنامه هنر، ش ۲۰، (رحیم نجفی بزرگبار) میانی هنر معنوی، ص ۱۰۵

۴۴- هنر مقدس، تیتوس بورگهاریت،

۴۵- آیین، یوهانس، کتابه رنگ، ترجمه محمدحسین حلیمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۶۷، ص ۱۲۸

۴۶- غشای ربانی (شام آخر) آخرین نسی که مسیح فرودای آن صلیوب نده است که در آن شب مسیح به باران خودنیل و شراب نادر و گشت مادام که از این نان خورید و از این شراب آشامید مرا بخادوری کنید

۴۷- تک فرهنگ اساطیر، ص ۲۰۸

۴۷- تک تحلیلات حکمت معنوی در هنر اسلامی، محمد مددیپور، حصص ۲۳۶-۲۳۲

۴۸- تک به بی نوشت ۲۷، ص ۳۸۱

۴۹- منطق‌الطیر، عطار نیشابوری، ص ۲۴۷

۵۰- تک به بی نوشت ۱۵، ص ۲۰

۵۱- نصر، سید حسین، هنر و منوبت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات، ۱۳۷۵، ص ۶۴

۵۲- تک به بی نوشت ۱۵

۵۳- مددیپور، محمد تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲، صص ۲۳۶-۲۳۲

۵۴- در بینش نمادین بردایی، رنگ را اولین دختر نور دانسته‌اند تک

باغ‌های خیال، ص ۶۰

۵۵- همان، ص ۱۰

۵۶- تک به بی نوشت ۱۵، ص ۱۸

۵۷- جلال‌الدین رومی، مثنوی، ترجمه R.A Nicholson، ص ۱۴۶

همچنین تک اصول و مبانی هنرهای تجسمی، دکتر حلیمی

۵۸- ادبیات کلاسیک فارسی، ص ۷۸، (تک) مدرسه نو، پاییز ۷۴، ص ۱۸

۵۹- کورکیان، ام و سبکر، ز، پ، باغ‌های خیال، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات فرزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۵۴

۶۰- حکمت معنوی و ساخت هنر، صص ۱۰۷ و ۱۱۸

۶۱- تک به بی نوشت ۱۰، ص ۸۲

۶۲- سطوح رنگی و تراکم فضای رنگی در مینیاتور را به تعبیری زیبایی‌شناسی گریز از خلا عنوان کرده‌اند تک فصلنامه هنر، ش ۴

۶۳- تک به بی نوشت ۱۰، ص ۸۴

۶۴- تک به بی نوشت ۵۹، ص ۶۰

۶۵- همان، ص ۲۳۴

۶۶- تک به بی نوشت ۲، ص ۱

۶۷- فصلنامه هنر، ش ۳۲، رنگ در شاهنامه، ص ۴۹۱

به رسم چینی گشت کاووس کی

که از کوه آلبیز تا برگ نی

همی برد خواهد به گردش سپهر

ناید فکندن بر این خاک مهر

شاهنامه، مجتبی میوی، ص ۸۴، سطر ۱۰۰۸

۶۸- تقدس رنگ زرد را در شرق دور، از نظر طبیعی مولود خاک حاصلخیز لوئیس (LOESS) که قسمت‌های وسیعی از غرب و شمال

عرب چین را می‌پوشاند دانسته‌اند تک تجلیات حکمت در هنر اسلامی، صص ۲۳۶- ۲۳۲

۶۹- اطلاق آبی، ص ۲۰، همچنین در کار البوت، ررد همسایه گنبد است (همان)

۷۰- مثال‌هایی از این دست زیاد است مثلاً در یک نمونه دیگر، رنگ سرخ در مسیحیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است در بعضی متدین به صورت سمبول شیاطین و دوسوسران مطرح است در حالیکه در همین رنگ قرمز در دین نسیو سادی از خورشید و مقدس است (دایره سرخی که در پرچم کشور ژاپن است ماندگاری از این اعتقاد است. تک: ادیان زنده جهان، رابرت هیوم)

۷۱- ویگنشتاین، لودویگ، درباره رنگ‌ها، ترجمه لیلی گلستان، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷

۷۲- مقدس: منوع

سایر منابع:

۱- اردلان، نادر و بختیار، لاله حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، ۱۳۸۰

۲- بهار، مهرداد، اساطیر ایران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ۱۳۵۲

۳- سپهری، سهراب اطلاق آبی، انتشارات سروش، چاپ سوم، ۱۳۷۶

۴- شایگان، داریوش، آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، برحه دفتر پرهام، انتشارات فرزان، چاپ دوم، ۱۳۷۳

۵- شمیسا، سیروس، داستان یک روح، انتشارات فرخوس، چاپ اول، ۱۳۷۲

۶- مبانی هنر معنوی (مجموعه مقالات)، دفتر مطالعات دینی هنر، چاپ سوم، ۱۳۷۶

۷- مددیپور، محمد حکمت معنوی و ساخت هنر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱

۸- مینوی، مجتبی، داستان رستم و سهراب از شاهنامه، انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی، ۱۳۵۲